

مطالعه و گونه شناسی گنجینه مکشوفه نقره‌ای و برنزی احمدبیگلو-شهرستان مشکین شهر

سیاوش عبدالهی

کارشناس ارشد باستان شناسی، اداره میراث فرهنگی و گردشگری استان اردبیل

abdollahi.miras93@gmail.com

دکتر رضا رضالو

دانشیار باستان شناسی دانشگاه محقق اردبیلی

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۲۰)

چکیده

عصر آهن با وجود کوتاه بودن مدت زمانی نسبت به دوره‌های قبل از خود، دوره پیشرفت سریع در تمام عرصه‌های اجتماعی؛ سیاسی؛ اقتصادی، هنری و نظامی‌گری است. این برهه‌ی زمانی با ناآرامی‌های گسترده قدرت‌گیری دولت‌های مهاجمی چون آشور، اورارتو؛ تولید انبوه و متنوع ابزار آلات جنگی و در پی آن پیدایش جوامع روبه رشد طبقاتی، احداث قلعه‌ها و ایجاد گورستانها در خارج از مناطق مسکونی و تدفین انسان‌ها همراه با اشیاء ارزشمند و اسب از تفکرات مردمان عصر آهن در دنیای بعد از حیات است. در این مقاله ضمن معرفی، تحلیل و توصیف نقوش به گاهنگاری نسبی در مورد کاربری اشیای نقره‌ای و مفرغی که از طریق حفاریهای غیر مجاز از منطقه احمدبیگلوبه دست آمده؛ پرداخته شده است. بیشتر این اشیای جلوه‌ای از هنر عصر آهن II را نشان می‌دهند، با این حال در بین آنها آثاری از عصر آهن III نیز قابل مشاهده است. توصیف نقوش ایجاد شده در سطح ظروف بیانگر اعتقادات، باورها و تفکرات مردم منطقه در آن دوره است. که هنرمند به نحو شایسته نسبت به نقش‌های که با معیشت مردم در ارتباط بوده، بکار بسته است. از لحاظ قدمت، ظرافت و زیبایی با اشیای معروف مارلیک و حسنلو قابل مقایسه هستند.

واژگان کلیدی: آهن، صنایع دستی، اشیای تزینی، احمد بیگلو

مقدمه:

پاسداران انقلاب اسلامی کشف و با کمک باستان‌شناسان دانشگاه محقق اردبیلی مورد ثبت و ضبط و گاهنگاری نسبی قرار گرفتند. این آثار ارزشمند که در جنس‌های مختلف بودند چشم‌انداز جدیدی را به روی باستان‌شناسان گشود و موجب آغاز فصل جدیدی از مطالعات باستان‌شناسی در منطقه مشگین‌شهر گشت. برخی از این اشیای مکشوفه در نوع خود بی نظیر بوده و دلالت بر اهمیت باستان‌شناختی منطقه مشگین‌شهر درادوار مختلف پیش از تاریخی و تاریخی دارند. در مقاله حاضر، بررسی، مطالعه و گونه‌شناسی این اشیای مورد بحث قرار گرفته و با نگاهی توصیفی - مقایسه‌ای به گاهنگاری نسبی این اشیای و جایگاه آنها در مطالعات باستان‌شناختی منطقه مشگین‌شهر پرداخته شده و اشیای موصوف در موزه مشکین شهر نگهداری می‌شود.

روش تحقیق:

در این پژوهش از دو روش مطالعات موزه‌ای و کتابخانه‌ای استفاده شده است. از روش کتابخانه‌ای برای شناسایی منابع و استفاده از مطالعات پیشین و نتایج کاوش و بررسی‌های باستان‌شناختی بهره گرفته شده، و براساس روش‌های آماری و علمی اطلاعات کسب شده، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در کنار روش کتابخانه‌ای، در روش موزه‌ای اشیای موصوف توسط هیئت کارشناسی باستان‌شناسی در موزه مشکین شهر بررسی مستند نگاری ثبت و ضبط، طراحی و گاهنگاری شده است. اشیای مورد بحث در موزه مشکین شهر نگهداری می‌شوند.

در سالهای بعد از جنگ جهانی اول در باستان‌شناسی ایران به صورت گسترده به مطالعات محوطه‌ها و گورستان‌های عصر آهن توجه زیادی شده، و برای مطالعه خاستگاه‌های فرهنگ قبایل ایرانی در گورستانها و استقرارهای این دوره حفاری‌هایی انجام شده است. بخش بسیار مهمی از این معضل؛ پیدایش فرهنگ مادی ایرانی و تعیین زمان پیدایش آن به روی فلات ایران است. ادبیات باستان‌شناسی رایج به شمال، شمال غرب و غرب ایران این دیدگاه را پذیرفته تغییرات ناگهانی در اواسط هزاره دوم قبل از میلاد و ظهور اقوام مهاجر در این مناطق بوده است. این عوامل باعث تغییر سنت سفالگری شده، ظروف منقوش سفالین جای خود را به ظروف خاکستری سیاه داغدار داد. هنر ایران در هزاره اول قبل از میلاد (طلایی ۱۳۷۴، ص ۳۶) آداب تدفین مردگان دگرگون شد و سنت تدفین اجساد در زیر کف‌خانه‌ها ناپدید شد. و گورستان‌های خارج از مناطق مسکونی پدیدار شد. ایران در عصر آهن ۱ (مدودسکایا ۱۳۸۳، ص ۹۱) یکی از ویژگی‌های ارزشمند گورستان‌های عصر آهن ایران وجود اشیایی است که به همراه مردگان در گورها دفن شده است. اعتقاد به دنیای پس از مرگ در عصر آهن، سبب شد که مردگان بنا به هویت و جنسیت به همراه اشیای مورد استفاده و نیازشان در دوران حیات دفن شوند. این امر باعث شده است که مطالعات و پژوهش‌های باستان‌شناسی عصر آهن فلات ایران روند و نتایج سودمند داشته باشد. در سال ۱۳۹۳ در طی کاوش‌های غیرمجازی که در منطقه احمد بیگلو شهرستان مشگین‌شهر صورت گرفته بود، تعداد زیادی اشیای تاریخی توسط ماموران سپاه

پیشینه‌ی پژوهش

اما علاوه بر این پژوهش‌ها، در سال‌های اخیر نیز مطالعات ارزشمندی در استان اردبیل به عمل آمده است. بررسی و پژوهش در قلعه کهنه مشگین شهر توسط عابدی امین (۱۳۷۶)، بررسی و کاوش محوطه‌های باستانی شهریری توسط دکتر نوبری (۱۳۸۲-۱۳۸۳)، پژوهش و کاوش در تپه ایدیر مغان توسط حصاری و اکبری (۱۳۸۴)، بررسی نادر تپه‌سی دشت مغان توسط محمدی (۱۳۸۳)، کاوش همین تپه توسط علیزاده (۱۳۸۶)، بررسی فشرده و کوتاه مدت دشت مغان توسط علیزاده و اور (۱۳۸۴)، بررسی قلعه‌های مرکزی و اقماری مشگین شهر توسط دکتر رضالو (رضالو و ایرملو، ۱۳۹۳)، کاوش ۶ ماهه دکتر رضالو در گورستان خرم‌آباد مشگین شهر (۱۳۹۲)، کاوش دکتر حاجی‌زاده در گورستان قیزیل قیه روستای احمد بیگلوی مشگین شهر (۱۳۹۳)، بررسی دکتر رضالو در حوزه رود اهل ایمان چایی (۱۳۹۴)، کاوش کورگان فخرآباد و جبدرق مشکین شهر توسط سیاوش عبدالمهی، (۱۳۹۷-۱۳۹۲) از پژوهش‌های مهم این حوزه به شمار می‌رود.

توصیف ۵ قلم اشیای نقره ای و برنزی

احمد بیگلوی :

۱- جام نقره ای به شکل یک ساغر که بر روی آن نقوش آیینی در دو ردیف کار شده است. این جام نقره‌ای وضعیت مناسبی از نظر سلامت نداشته و بصورت شکسته و ناقص است. نقوش ردیف زیرین متشکل از نقش چهار حیوان است که شامل دو بز کوهی که در یک ردیف و پشت سر هم و بصورت کنده کار شده است. اما دو نقش دیگر روبروی هم کار شده و به نظر می‌رسد یکی از آنها ارائه کننده نقش بز کوهی، و نقش دیگر ارائه کننده یک گاونر، که مقابل

اولین مطالعات باستان شناختی در استان اردبیل توسط باستان شناسان خارجی انجام گرفت. نخستین بار در فاصله سال‌های ۱۸۹۹ تا ۱۹۰۱ میلادی ژاک دمورگان در اطراف شهر نمین. سید محمود موسوی در سال ۱۳۵۷ در اردبیل کاوش‌هایی را انجام داد و نیز در سال ۱۳۷۴ در مجموعه شیخ‌صفی‌الدین اردبیلی به مدت چهار سال بررسی و کاوش نمود و آثاری را از قرون ۸ و ۹ ه. ق از جمله سکه‌های دوره صفویه را از زیر خاک بیرون آورد. بررسی سجادی از منطقه مشگین‌شهر (آرشیو سازمان میراث فرهنگی) و بررسی‌های خزالعی، توحیدی، خلعتبری و کهیلا از تپه‌های باستانی استان اردبیل (آرشیو سازمان میراث فرهنگی)

بررسی کوه سبلان در سال ۱۹۶۵ توسط بندیکت صورت گرفت. همچنین در سال ۱۹۶۹ پروفیسور شیمپن بررسی‌های علمی را در این منطقه انجام داد. در مشگین شهر در سال ۱۹۶۸-۱۹۶۹ بررسی‌هایی توسط دکتر گروپ انجام شد و چارلز برنی در سال ۱۹۷۸ دشت مشگین‌شهر را مورد بررسی باستان شناختی قرار داد و از وجود ۷۶ محوطه با آثار دوره‌های مختلف گزارش داد (Burney 1979: 156). هدف بررسی سال ۱۹۶۸-۱۹۷۹ موسسه باستان شناسی آلمان، ولفرام کلایس و استفان کرول، جمع‌آوری اطلاعات از قلعه‌های اورارتویی در شمال غرب ایران بود، مع‌هذا در این اثنا بیش از ۶۰ محوطه از تپه‌های پیش از تاریخ را در طول مسیر میان‌دوآب، ارومیه، مرند، جلفا، ماکو و منطقه میانه و اردبیل مورد بازدید قرار دادند (Edward 1985: 69).

در ایران مظهر مهر و خورشید است و با مرگ هم بی‌ارتباط نیست (صمدی ۱۳۶۷، ص ۲۵)

برخی از محققین نقوش بز کوهی را بعنوان معروفترین نقش نمادین هنر پیش از تاریخ ایران می‌شناسند. عموماً پس از فرمانروای خورشید، بزکوهی حیوان خورشید نام گرفت و علامتی شبیه ستاره چندپر و اصطلاحاً «لوتوس» گویند، که معمولاً در بین شاخ‌های بلند و کشیده‌ی این حیوان بر روی سفالینه‌ها نقش گردیده است (صمدی ۱۳۶۷، ص ۹۴)

در اکثر پدیده‌های هنری، آناهیتا (الهه آب) در قالب بزکوهی مجسم شده است. از سوی دیگر برخی از محققان شاخ‌های بزکوهی را مظهر فرشته باران و در ارتباط با الهه ماه، که آن نیز با رطوبت و نزول برکات آسمانی در ارتباط بوده است، می‌دانند (معصومی، ۱۳۵۲، ص ۲۶). با بررسی نقشمایه بز کوهی در آبخوری‌های سفالی ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد در شوش ابعاد غیرمتعارف شاخ‌ها مشهود است که نمادی از ماه به عنوان سرچشمه نزول باران محسوب شده، و در اکثر موارد نمادی از زمین، آب و خورشید در بین شاخ‌ها منقوش است (طوسی، ۱۳۹۱، ص ۵۹)

در روایات ایران کهن این فرشته باران‌آور به الهه تیشتر نسبت داده شده: «در آغاز آفرینش، هنگامی که اهریمن بر آسمان و زمین تاخت، بوم و بر خشک و بی‌آب بود و نشانی از دریاها دیده نمی‌شد. آنگاه تیشتر، فرشته باران‌آور، ابر را به هنگام غروب در باختر زمین پدید آورد و آن را به نیروی باد در آسمان روان کرد و سی شبانه‌روز باران ببارانید» (بهار، ۱۳۷۴، ص ۵۵۳).

همچنین در بعضی از لهجه‌های محلی بز تنها ماده گوسفندی بی‌دنبه مودار که نر آن تیشتر نام دارد که

هم قرار گرفته اند. قسمت فوقانی ظرف شکسته و آسیب دیده است ولی با توجه به قسمت های برجای مانده، به نظر می رسد که نقوش ارائه کننده تصویری است. که یک شیر را در حال شکار یک گاو نر نشان می دهد. در قسمت باقیمانده دیگر و در ردیف فوقانی نقش یک گاو نر دیده می شود. در قسمت تحتانی و در زیر کف نقش یک ترنج ۶ پر که در درون یک دایره محدود شده است، به صورت کنده دیده می شود. و در حد فاصل میان پره‌های گل ترنج، نقوش فرورفته دایره ای کار شده است. وزن آن ۴۰/۹۰۰ گرم، بیشترین ارتفاع باقیمانده ۹/۳ cm و قطر کف ۶/۲ cm است.

شیردر نقش ها نماد عظمت، قدرت، دلیری، عدالت و قانون است و از طرفی دیگر نماد بی‌رحمی و جنگ است. پیدا شدن شیر در هنر مصر، بین‌النهرین و ایران باستان نشان می‌دهد که این حیوان روزگاری در این مناطق می‌زیسته است. ظاهراً شیر موجود در بین‌النهرین و حوالی آن در قرن بیستم میلادی کشته شده، و آخرین شیر ایرانی حدود هشت دهه پیش شکار شد. اما وجود این حیوان اثرش را بر اعتقادات و فرهنگ مردم از مدت‌ها قبل باقی گذاشته است. در کهن‌ترین نقوش تصاویر شیرها نگهبان پرستشگاه‌ها، قصرها و آرامگاه‌ها بودند و تصور می‌رفت درنده‌خویی آنها موجب دور کردن تاثیرات زیان‌آور باشد. در ادبیات، شیر استعاره‌ای شایسته برای پادشاهان دو ستار جنگ است. شیری که یک گاو را می‌کشد معرف نیروی خورشید است که گاو زمستان را از پا درمی‌آورد. (شوالیه ۱۳۸۵، ص ۱۱۶) در فرهنگ ایران باستان شیر نماد سلطنت، نیروی خورشید و نور است. شیر با یالش در واقع همان خورشید است. شیر

نزد مردمان گذشته اهمیت داشته و فراوانی آن نشانه اهمیت در زندگی و اعتقادات مردمان باستان بوده است، چون مردمان ایران زمین در یک منطقه خشک و کم آب زندگی می‌کردند، شاید با ایجاد این نقوش بر روی اشیاء و قربانی کردن این حیوانات از خدایان خود درخواست بارش باران می‌کردند. این اعتقادات در تمام ادوار باستانی دیده می‌شود. مردمانی که آب برای آنها مایه‌ی زندگی است و با کمبود آن، زندگی برای آنان دشوار و گاهی غیر ممکن خواهد بود. بنابراین برخی از عناصر طبیعت که با آب در ارتباط هستند مانند کوهها، گیاهان و تعدادی از حیوانات به عنوان سمبل در زندگی آنان حضور پیدا می‌کند.

۲- یکی از ظروف سفالین شاخص عصر آهن در ایران کوزه‌های لوله‌دار است. این نوع کوزه‌ها اگرچه از نظر شکل کلی شباهت زیادی به یکدیگر دارند و در یک گروه جای می‌گیرند، ولی از نظر جزئیات شکل قسمت‌های مختلف تنوع زیادی در میان آنها دیده می‌شود، بطوری که می‌توان آنها را بر مبنای شکل قسمت‌های مختلفی طبقه‌بندی کرد.

ظرف لوله دار از نوع لوله دار ناپیوسته عصر آهن ۱ و ۲ و از جنس نقره که از شاخصه های ظروف هزاره دوم قبل از میلاد می باشد (طلایی ۱۳۷۴، ص ۱۲۱) نوع فلزی این ظروف لوله دار به دو صورت ساده و تزئینی از حفاریهای مارلیک، سیلک B، تپه گیان، تپه گوران به دست آمده است.

لوله این ظرف به وسیله ۵ پرچ به بدنه متصل شده است. لوله آن از انواع لوله های عصر آهن است و از نوع ناودانی و منقاری شکل می باشد بر روی لوله سه برجستگی به صورت V شکل و بصورت برجسته کار شده است. این ظرف لوله دار بصورت ساده بوده و

تیشتر نام خدایی است که با باران ارتباط دارد (آموزگار، ۱۳۸۶، ص ۲۲).

بزکوهی در دوران‌های مختلف نمادهای گوناگونی را به خود اختصاص داده است. زمانی که ماه پرستش می‌شده، نماد ماه و روزگار دیگر نماد خورشید است. این در زمانی بوده است که بشر به زندگی کشاورزی گرایش پیدا کرده و دریافته بوده، که خورشید سبب باروری زمین و پرورش گیاهان و موجب گرم کردن و نیرو بخشیدن به انسان است (دورانت، ۱۳۷۰، ص ۷۳).

این حیوان در کوهها زندگی می‌کرده و از دیر باز آن را رب‌النوع کوهستان لقب داده‌اند، شاید یکی از دلایل مقدس بودن این حیوان نزد مردمان باستان بوده است. چون کوه در نزد مردمان باستان مقدس بوده و نماد بزرگی، عظمت و جایگاه خدایان بوده است و این حیوان را هدیه‌ای از جانب خدایان خود در کوهها می‌دانسته‌اند. ارزش و اهمیت خاصی برای آن قائل بوده‌اند. و با قربانی کردن این حیوان در مراسمات مذهبی خود باعث خوشنودی خدایان خود می‌شدند.

به نظر نگارنده، هریک از اقوام باستان، بزکوهی را مظهر یکی از عناصر مفید طبیعت می‌دانستند و شاخ این حیوان از مظاهر خدایان در ایران باستان و بین-النهرین به حساب می‌آمده است، بنابراین بین بزکوهی با شاخ‌های خمیده و منحنی و هلال ماه رابطه‌ای وجود داشته، چون در میان اقوام باستان ماه را نماد باران و خورشید را نماد گرما و خشکی می‌دانستند (صورالکواکب، خواجه نصر الدین طوسی) (ناصری فرد ۱۳۸۶، ص ۱۷۲-۱۷۳) و به همین دلیل است که شاخ‌های این حیوان به عنوان سمبل ماه و باران، بیش از حیوانات دیگر مانند: گوسفند، اسب، گوزن و شیر

روی این پیشانی بند هیچ نقشی دیده نمی‌شود. به نظر می‌رسد که این پیشانی بند بر روی یک کمر بند چرمی دوخته شده استفاده می‌شده است. بیشترین عرض: ۱۵cm کمترین عرض: ۱۳cm بیشترین عرض مفتول: ۱/۸cm قطر: ۲m

۵- دیگ مفرغی با دو دسته حلقوی که به صورت عمودی کار شده است. ارتفاع این ظرف 22CM، قطر دهانه 39CM و قطر کف 44CM است. این دیگ مفرغی با تکنیک چکش کاری ساخته شده است. بدین صورت که یک ورقه مفرغی مسطح و صاف را به شکل دیگ فرم داده شده است. تنها زاویه موجود در محل التصاق کف به بدنه بوده که به آرامی و با شیب ملایمی ایجاد شده است. کف ظرف نیز بصورت ساده بوده و دارای قوس ملایمی به منظور ایجاد ایستایی است. همانگونه که عنوان گردید این ظرف مفرغی دارای دو دسته حلقوی است که بصورت قرینه و روبروی هم بر روی بدنه ظرف پرچ شده است. با توجه به ظرافت ورقه‌ی ظرف هنرمندی که آن را ساخته است ورقه‌ی دیگری از مفرغ را با تکنیک چکش کاری به ورقه اصلی متصل نموده است. این کار باعث استحکام بیشتر این ظرف مفرغی شده است. به گونه‌ای که با فرض پر بودن دیگ با مواد بلند کردن آن با کمک دسته‌ها هیچ مشکلی را ایجاد نمی‌نماید.

منطقه به عصر آهن مربوط می‌باشد. (رضالو و عبدالمی بررسیهای میدانی منطقه مشکین شهر) دارای قلعه بزرگ مرکزی و گورستان‌های وسیع و سازه‌های معماری گور بصورت منظم و چارچینه خرسنگی تراش دار و بدست آمدن اشیای منحصر قابل مقایسه با

هیچ عنصر تزئینی دیگری بر روی بدنه دیده نمی‌شود. در قسمت قرینه لوله این ظرف یک نقش به شکل گوه ای دیده می‌شود که به شکل تزئینی القا کننده دسته این ظرف می‌باشد. این ظرف نقره‌ای به وزن ۲۶۰/۴۰۰ گرم، ارتفاع ۱۰/۲cm، قطر کف ۸/۷cm، قطر دهانه ۷/۴cm و بیشترین عرض بدنه ۱۲/۲cm است.

۳- شی مفرغی که به شکل ملاقه نیم کروی است با لبه‌های شکسته و یک دسته که بصورت یک لوله استوانه‌ای توخالی است. دسته ملاقه بصورت یک میله استوانه‌ای توخالی است که به احتمال دسته‌ی چوبی در درون این میله قرار می‌گرفته است. در قسمت انتهایی دسته جای دو سوراخ دیده می‌شود که به منظور استحکام بخشی دسته چوبی بوده است؛ بدین صورت که بعد از کوبیدن دسته چوبی با میخی این دسته را بر روی زبانه محکم می‌نموده‌اند. که روی آن باز می‌باشد، بر روی قسمت انتهایی دسته دو سوراخ که محل محکم نمودن دسته‌ی چوبی بوده، که بر روی آن سوار می‌شده است. طول: ۲۲cm طول دسته: ۱۲/۶cm عرض پیاله‌ی ملاقه: ۹cm عرض دسته در نوک: ۲/۲cm عرض قسمت میانی دسته: ۱/۳cm ضخامت پیاله: ۲

۴- پیشانی بند مفرغی به شکل یک ورقه‌ی فلزی کمربندی که در دو طرف انتهایی دارای سوراخی بوده که یکی از این سوراخ‌ها از میان رفته است. بر

نتیجه گیری:

با توجه به مقایسات صورت گرفته تاریخ پیشنهادی برای گنجینه نقره‌ای و مفرغی احمد بیگلو عصر آهن ۲ و ۳می‌باشد. با توجه به اینکه این منطقه در عصر آهن دارای تمدن غنی بوده و هشتاد در صد قلعه‌های این

محوریت نقوش جام گاو نر به همراه نقش بزکوهی و شیراست. گاونرو شیر در دوره باستان نماد قدرت و نیروی تولید مثل است. پرستش گاو نر به صورت رسمی در مدیترانه، خاورمیانه باستان، شرق مدیترانه و مناطق مجاور رایج بود. تصاویر گاوهای نر با حاصلخیزی و تجدید حیات در ارتباط بود. در ادوار بسیار کهن گاونر معمولا نماد خدای قیم شهر بشمار می رفت. گل‌های روزت پنج پر به صورت نمادین در کف ظرف های آیینی و نقش های دالبری در لبه و حاشیه ظرفها نمادی از هنر عصر آهن می باشند و قوری دهان منقاری یا ناودانی شکل به روش چکش کاری ساخته شده نقش بز جلوه ای از نماد خیر و برکت و حاصلخیزی است و در نزد ایرانیان به عنوان نماینده زرتشتیان معرفی می گردد و نماد شیر و گراز در فرهنگ ایرانیان به عنوان نماد قدرت می باشند. هنرمند سبکی را که سبک ساکنان بومی منطقه بوده بکار بسته است. که هنرمندان با الهام گیری از طبیعت و حیوانی که در بین مردم مقدس شمرده می شده که در شفای دردها و آیین های نیایشی و در زندگی انسان نقش بسزایی داشته، به تصویر کشیده اند.

منابع

- ۱- آذرنوش، مسعود، «کاوش های گورستان محوطه سنگ شیر»، گزارشهای دومین مجمع سالانه کاوش و پژوهش های باستان شناسی در ایران دوازدهم تا هفدهم آبان ماه، زیر نظر فیروز باقرزاده، تهران، انتشارات مرکز باستان شناسی ایران، ۱۳۵۳؛
- ۲- آذرنوش، مسعود، «دومین کاوش در منطقه سنگ شیر همدان»، گزارشهای چهارمین مجمع سالانه

اشیای مارلیک شمال ایران و شمال غرب حسنلو و زیویه است. معادن غنی فلز در این منطقه و اقلیم مناسب و مراتع غنی برای دامداری و قرارگیری محوطه در مسیر شاخه ای از جاده ابریشم، این چنین به نظر می رسد. تمدن مارلیک و حسنلو قرابت نزدیکی به این فرهنگ داشته در یک توالی فرهنگی و نفوذ گسترده فرهنگی داشتند (رضالو و حاجی زاده ۱۳۹۳ بررسی های میدانی) از نظر فرم و شکل و نقوش اشیای احمد بیگلو تا حدودی شبیه هم هستند. بعد از بررسی و حفاری منطقه احمد بیگلو و نتایج فعالیت های میدانی به این نتیجه رسیدم، در این منطقه در عصر آهن دارای قلعه های بالگو های استقرار مرکزی و قلعه های اقماری که تحت سیطره مرکزی و گورستانهای بزرگ حصار دار گورگانها و تپه گور و گورستان باستانی جام پر در منطقه قیزیل قیه اشیای موصوف اشیای تدفیتی بوده، از گورستان های این منطقه کشف شده است. این شواهد ها اهمیت این منطقه را در گذشته نشان می دهد که قسمتی از اشیای از ساخته ای محلی و هنر بومی این منطقه بوده و از تولیدات این مکتب هنری بوده است. هنری که بر روی جامهای حسنلو، مارلیک و احمد بیگلو بکار رفته تلفیقی از هنر هوریان بومیان ساکن در منطقه می باشد. (پیرا ۱۹۶۹، ص ۱۰۴) تصاویر و هنری که بر روی این ظروف به کار رفته برگرفته از پتانسیل های زیستی و بومی منطقه می باشد. زیرا هنر مندان در طراز اول برای نمایش هنر خود فلز های قیمتی طلا را که از نظر خودشان شایستگی بیشتر داشت انتخاب نموده اند و هنر خود را بر روی ظرف متجلی می ساختند. این هنر حاکی از هنر غنی سازندگان آنهاست. که ذوق و توانایی خود را در خلق این آثار به کار گرفته اند.

رشت، اداره کل میراث فرهنگی استان گیلان،
۱۳۸۳؛

۱۰- رضالو، رضا، گزارش مقدماتی اولین فصل کاوش
در گورستان خانقاه گیلوان، سازمان میراث
فرهنگی کشور، پژوهشکده باستان‌شناسی،
۱۳۸۶ الف؛

۱۱- رضالو، رضا و آیرملو، یحیی، فرهنگ عصر مفرغ
جدید و آهن ۱ دشت اردبیل: مطالعه موردی
قلعه خسرو و قلعه‌های اقماری، مجله
پژوهش‌های باستان‌شناسی ۱۳۹۳؛ ص ۶۵-۸۴-
همان، حضور سکاها در شمال غرب ایران، مجله
پژوهش‌های باستان‌شناسی، دوره ۸، ۱۳۹۴ الف-؛
همان، آئین تدفین اسب در میان اقوام سکایی:
مطالعه موردی گورستان خرم‌آباد مشکین شهر،
مجله جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ۷، شماره ۲،
۱۳۹۴ ب؛

۱۲- طلائی، حسن، پویایی فرهنگی در باستان‌شناسی
ایران، اولین گردهمایی باستان‌شناسی ایران،
شوش، ۱۳۷۳؛

۱۳- فیض خواه، محمد و صمد علیون، باستان‌شناسی
آذربایجان از دوره اورارتو تا شروع دوره اشکانی،
مجموعه مقالات، پروژه ترجمه
حسنلو (۱۳۸۸: ص: ۳۰۰)

۱۴- هژبری نوبری، علیرضا، گزارش مقدماتی سومین
فصل کاوش محوطه شهریری، پژوهشکده
باستان‌شناسی میراث فرهنگی، تهران، ۱۳۸۳؛

۱۵- ولد بیگی، ثروت، بررسی روشمند قلعه قوناق
قیران، پایان نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی،
دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ۱۳۸۷.

کاوش و پژوهش‌های باستان‌شناسی در ایران
دوازدهم تا هفدهم آبان ماه، سال ۱۳۵۴، زیر نظر
فیروز باقرزاده، تهران، انتشارات مرکز
باستان‌شناسی ایران، ۱۳۵۴؛

۳- ابتهاج، ویدا، بررسی ساختار معماری قبور
مگالیتیک عصر آهن ایران، مطالعه موردی،
محوطه شهریری در استان اردبیل، پایان نامه
کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت
مدرس، دانشکده علوم انسانی، ۱۳۸۰؛

۴- ترابی طباطبایی، سید جمال، آثار باستانی
آذربایجان، جلد دوم، تبریز، انتشارات انجمن
آثار ملی، ۱۳۵۵؛

۵- بازنگری عصر آهن شمال غرب ایران، مطالعه
موردی محوطه شهریری اردبیل و قلاع اقماری،
رساله دکتری باستان‌شناسی، تهران: دانشگاه
تربیت مدرس، ۱۳۸۶؛

۶- حاجی‌زاده، کریم، گزارش مقدماتی اولین فصل
کاوش در گورستان احمد بیگلو، پژوهشکده
باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی، تهران،
۱۳۹۳؛

۷- بررسی باستان‌شناسی منظر حوزه رودخانه
مشکین چایی، آرشیو سازمان میراث فرهنگی
استان اردبیل، ۱۳۹۴؛ حصاری، مرتضی و اکبری،
حسن، گزارش گمانه زنی تپه ایدیر آصلاندوز،
گزارش‌های باستان‌شناسی، پژوهشکده
باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی، تهران،
۱۳۸۴؛

۸- خلعتبری، محمدرضا، کاوش‌های باستان‌شناسی در
محوطه‌های باستان تالش و سکه و میانرود،

Chalcolithic/Early Bronze Age transition in ushnu-Solduz Valley, Iran, in A. Sagona 9ed), A View from the Highlands, Archaeological studies in Honour of Charles Burney, Ancient Near Eastern Studies, Supplement Vol. Leuven: Peeters, pp. 83-615;

25-Demorgan, J. 1905, Recherches au Talych Persaen 1901, In Necropoles des ages du Bronze Et du fer, MOP VIII PP 251- 345;

26-Dyson, R. H. 1964, In the city of the golden bowl: new excavations at Hasanlu. in Persian Azerbaijan, The Illustrated London News 12th September 1964, pp. 372-4;

27-Dyson, R. H. 1968, The archaeological evidence of the second millennium B. C on the Persian Plateau. In Cambridge Ancient History, fascicle 68, Cambridge university press, 3- 36;

28-Edwards, M. R. 1981, The pottery of Haftavan VIB (Urmia ware). Iran 19: 101-114;

29-Edwards, M. R. 1983, Excavation in Azerbaijan (north-western Iran) 1. Haftavan, period VI. Oxford (BAR international series 182);

30-Edwards, M. R. 1986, "Urmia ware" and its distribution in north-western Iran in the millennium BC: a review of the results of excavation and surveys. Iran 24: 57-77;

31-dysonrobert h. hasanlu. azarbaijan projectrviewsletter hasanlu-azar baijan projectnewsletter(1959)

32-summers g. danb summers f kerkenesdagina. m. greavesand b. hhelwing archaeology inturkey (2001- :105:502-509

۱۶-نگهبان؛ عزت الله حفاری مارلیک سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۱ جلد اول

۱۷-حسن طلابی باستان شناسی و هنر ایران در هزاره اول قبل از میلاد فصل سوم صفحه ۷۶ تا ۱۱۴

18-Alizadeh, K. and Ur, J. A. 2007, Formation and destruction of pastoral and irrigation landscapes on the Mughan steppe, North-Western Iran, Antiquity 81: 148-160;

19-Azarnoosh, M. , 1974, Excavations of Sang Shir Enclosures, reports presented in third annual conference on Archeological Excavations and Researches in Iran, under the supervision of Firoz Bagherzadeh, Tehran: Publication of Archeological Center of Iran;

20-Azarnoosh, M, 1975, Second Excavation of Sang Shir region of Hamadan, reports presented in 4th annual conference on Archeological Excavations and Researches in Iran, under the supervision of Firoz Bagherzadeh, Tehran: Publication of Archeological Center of Iran;

21-Burney, C. A. and D. M. Lang. 1971, The peoples of the hills: ancient Ararat and Caucasus. New York: Praeger Publishers;

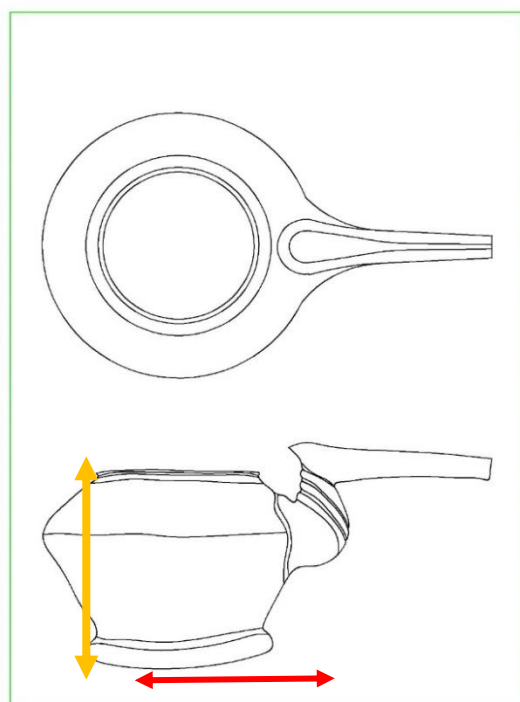
22-Burton Brown, T. 1951, Excavations in Azerbaijan 1948. London: John Murray;

23-Contenau and Ghirshman, R. 1935, Fouilles du tepe Giyan: pres de Nehavand 1931 ed 1932, Musee du Louver, Paris;

24-Danti, M. D. , M. M. Voigt and R. H. Dyson, 2004, The Search for the late

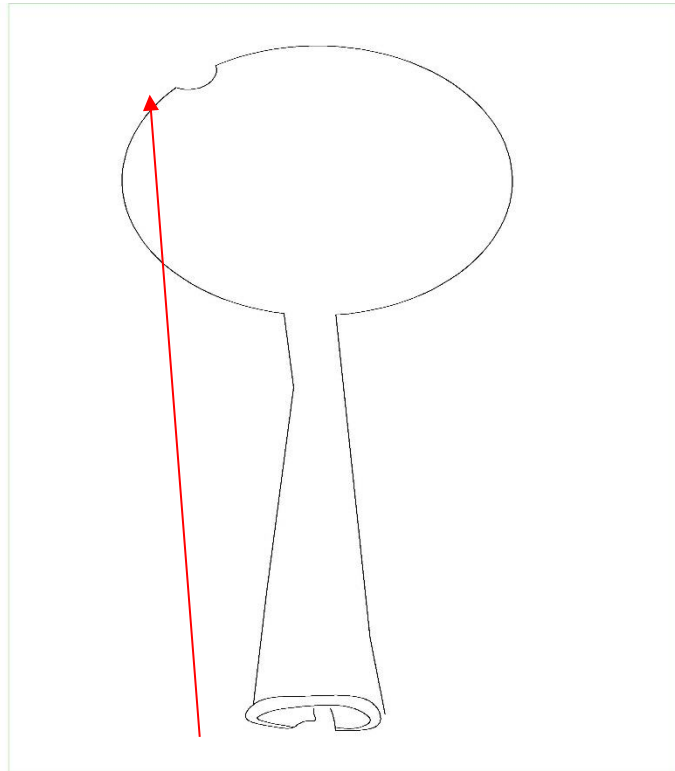


شکل ۱- جام سیمین وزن ۴۰/۹۰۰ گرم بیشترین ارتفاع باقیمانده ۹/۳ cm و قطر کف ۶/۲ cm



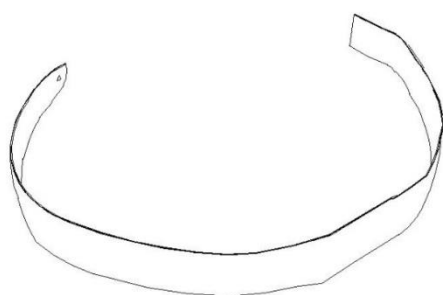
شکل ۲- ظروف سیمین لوله دار ارتفاع $10\frac{1}{2}$ cm، قطر کف $8\frac{1}{7}$ cm، قطر دهانه $7\frac{1}{4}$ cm

و بیشترین عرض بدنه $12\frac{1}{2}$ cm



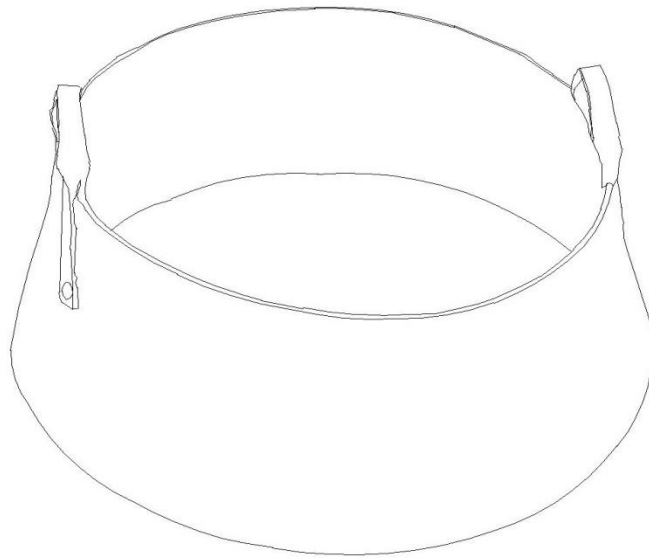
شکل ۳: ملاقه مفرغی

طول: ۲۲cm طول دسته: ۱۲/۶cm عرض پیاله ی ملاقه: ۹cm عرض دسته در نوک: ۲/۲cm عرض قسمت
میانی دسته: ۱/۳cm ضخامت پیاله: ۲m



شکل ۴- پیشانی بند مفرغی

بیشترین عرض: ۱۵cm کمترین عرض: ۱۳cm بیشترین عرض مفتول: ۱/۸cm قطر: ۲m



شکل ۵- دیگ مفرغی ارتفاع این ظرف 22CM، قطر دهانه 39CM و قطر کف 44CM